



اسرائیل نتیجه حتمی مبنای تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است

اسرائیل زاینده تمدن سرکش مادی و نتیجه حتمی مبنای تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است که در پایان قرون وسطا بر پایه انکار خدا و ارزش‌ها بنا گذاشته شد.

اسرائیل زاینده تمدن سرکش مادی و نتیجه حتمی مبنای تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است که در پایان قرون وسطا بر پایه انکار خدا و ارزش‌ها بنا گذاشته شد.

به گزارش خبرنگار مهر، علما، اندیشمندان، روشنفکران و پژوهشگران اسلامی از سالهای نخست اشغالگری صهیونیست‌ها در فلسطین همواره در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی به بررسی ابعاد این مساله پرداخته‌اند و سعی در روشنگری فضای عمومی ایران و جهان اسلام داشته‌اند و اصولاً یکی از علل وقوع انقلاب اسلامی مساله حمایت شاه از اسرائیل بود. امام خمینی در مصاحبه‌ای در این باره می‌فرماید: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است. من همیشه در مطالبیم گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل به وجود آمد، با او هم‌کاری کرده؛ و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود، شاه، همچنان نفت مسلمین را غصب کرده، به اسرائیل می‌داد و این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است.»

امام موسی صدر از روزهای نخست آغاز فعالیت‌های جهادی خود در لبنان که از شهر صور لبنان شروع شده بود به مساله فلسطین و انقلاب قدس توجه ویژه‌ای داشت و او را می‌توان بنیانگذار مقاومت در لبنان علیه دشمن اسرائیلی دانست همچنان که این مساله بارها از سوی سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان مورد تأکید قرار گرفته است.

امام موسی صدر در سخنرانی تلویزیونی در تلویزیون کویت با عنوان «بعد دینی مساله فلسطین» می‌گوید: همه ما می‌دانیم که مشکل فلسطین و به طور خاص مشکل اسرائیل، در رأس همه مشکلات و اندوه‌های ما قرار دارد. درباره این مشکل بسیار سخن گفته‌اند و درست نیست که من گفته شده‌ها را تکرار کنم. دوست دارم در ابتدای صحبت‌هایم درباره بُعدی صحبت کنم که از آن کمتر سخن گفته‌اند. بُعدی که با من در مقام عالم دین تناسب دارد، یعنی بُعد دینی مشکل فلسطین. به نظر من این بُعد، پایه و اساس مشکل است که متأسفانه در بسیاری از مباحث آن را نادیده می‌گیرند. همانگونه که از نام اسرائیل و نام شورای کنیست و از انتخاب قدس به پایتخت اسرائیل و نامگذاری آن به اورشلیم و بسیاری دیگر از برخوردهای شخصیت‌های سیاسی و نظامی اسرائیل برمی‌آید، این مشکل، بُعد دینی بسیار بزرگی دارد. اصلی‌ترین بُعد مساله بُعد دینی بود که بعدها به بُعد نژادی تبدیل شد.

در حقیقت، ما باید این بُعد را به طور کوتاه بررسی کنیم؛ بُعدی که اسرائیل عصر ما را به اسرائیل کهن پیش از میلاد مسیح (ع) پیوند می‌دهد. می‌دانیم که فرزندان اسرائیل یا به تعبیر قرآن کریم بنی اسرائیل، در مصر زندگی می‌کردند و در دوره کوتاهی عده شأن فراوان شد. متأسفانه، آنها از پستی ملت مصر سوءاستفاده کردند و شروع به بازی با بسیاری از مقدرات و امور سرنوشت‌ساز مصر کردند و از جایگاه حضرت یوسف (ع) نیز که ملت مصر را از قحطی نجات داد، سوءاستفاده کردند.

این اوضاع و احوال سبب شد که ملت مصر بر ضد آنان قیام کنند و فرعون نیز از آنان انتقام گرفت و آنان را تحقیر کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ*. سرانجام، خداوند متعال پیامبرش موسی (ع) را برانگیخت. موسی آنان را نجات داد و به سینا برد تا از آنجا به فلسطین بروند. ارتباط آنان با فلسطین بدین سبب بود که حضرت ابراهیم (ع) از فلسطین عبور کرده بود، وگرنه در حقیقت خود ابراهیم (ع) نیز متولد فلسطین نبود و فقط از این منطقه عبور کرده بود.

آنان تصمیم گرفتند که به آن سرزمین بروند. وقتی از مصر بیرون آمدند، در اثر عقده‌های پیشین و مشکلات روانی و اوضاع اجتماعی‌ای که داشتند، خود را در برابر راهی طولانی و سختی‌های بسیار یافتند. از این رو، در برابر موسی (ع) شروع به بهانه‌گیری کردند و گفتند: مگر در مصر نانی برای خوردن و قبری برای دفن ما نیافتی که ما را به این منطقه آوردی؟ آنان به موسی گفتند که از خوردن گز انگبین و بلدرچین خسته شده‌اند و علی‌رغم ستم‌هایی که در مصر از آن رنج می‌بردند، از موسی خواستند همان غذاهای ساده‌ای را که می‌خوردند، برایشان فراهم کند. آنان دوره‌ای را سرگردان در صحرای سینا گذراندند تا اینکه به سرزمین فلسطین رسیدند. گویا آنان طی این دوره از همه بشریت کینه به دل گرفتند. از این رو، وقتی وارد فلسطین شدند، بسیاری از اهالی فلسطین را کشتند و بخش‌های بسیاری از این سرزمین مقدس را اشغال و ساکنان آن را آواره کردند. ساکنان این منطقه قبایل گوناگونی بودند که بنا بر آنچه از برخی منابع تاریخی بر می‌آید، عرب‌هایی بودند که از شبه جزیره به

آنها در این دوره شروع به سوءاستفاده از مردم و سیطره جویی بر آنان کردند و در صدد برآمدند که برتری خود بر دیگران را به اثبات برسانند تا از این راه، اشغالگری و سیطره جویی خود را توجیه کنند و خلأ روحی ناشی از عقده های روانی را پر کنند. عقده هایی که در دوره گذشته از آن رنج می بردند.

آنان در این دوره، تاریخ و اعتقادات خود را پایه گذاری کردند و طبیعتاً، این کاری زیربنایی بود. آنان چطور می توانستند خود را برتر از دیگران بدانند؟ شریعت داشتند. همه می دانند. آنان به خدای یگانه ایمان داشتند و به این ایمان افتخار می کردند. ملت هایی که در فلسطین و منطقه خاورمیانه و لبنان و سوریه زندگی می کردند نیز به خدای یگانه ایمان داشتند. آنان خدای یگانه خود را «ایل» می نامیدند. بنابراین، خدای آنان یکی بود و هیچکس بر دیگری برتری نداشت.

آنان در ابتدا در آموزه های خود کلمه «ایل» را به کار می بردند و حتی کلمه اسرائیل و نام بسیاری از فرشتگان همچون اسرافیل نیز برگرفته از همین کلمه ایل است. اما در صدد برآمدند که خود را به طور کامل از دیگر مردم جدا کنند و برای خود امتیاز قائل شدند و خدای یگانه خود را «بپوه» نامیدند. با این روش، آنان خود را به طور کامل از مردم جدا کردند و ملت برگزیده خداوند خواندند و دیگران را انسان های درجه دو تلقی کردند. به دیگر سخن، خود را آفریدگان خدای یعقوب، خدای اسرائیل، به شمار آوردند.

پس از این مرحله که آنان خود را از جهت آفرینش و نژاد، برتر از دیگر انسان ها دانستند. مشکل پا گرفت و سبب شد آنان در کمین فرصت باشند تا ثروت فرزندان آدم از هر نوع و هر جنسی را غارت و آنان را تحقیر کنند و به مثابه ابزارهایی برای خوشبخت کردن فرزندان اسرائیل به کارگیرند.

در تاریخ صدها مورد از ستمگری آنان در حق افراد بی گناه و اشغال آنان ثبت شده است. در دوره ای که منطقه خاورمیانه در اشغال بیگانه بود و قرآن نیز در سوره روم با آیات غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْتَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّئَاتُ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ از آن یاد کرده است، آنان با استعمارگران و حاکمان هم پیمان شدند و ده ها هزار نفر از مسیحیان را به قتل رساندند که اکثریت مردم منطقه را تشکیل می دادند. آنان تلاش کردند که از طریق آموزه های مقدس مطالب خرافی و انحرافی بسیاری را در آموزه های دین مسیحیت وارد کنند. در مورد اسلام نیز همین روش را در پیش گرفتند. در تاریخ صدر اسلام و پس از هجرت پیامبر (ص) شاهد توطئه چینی ها و خطرآفرینی های متعدد آنان هستیم. خطر آنان در ماجرای احزاب به اوج خود رسید. وقتی احزاب و مشرکان شهر مدینه را محاصره کرده بودند، آنان بر ضد مسلمانان توطئه چیدند، ولی خداوند به پیامبر خود لطف کرد و پیامبر نیز با تیزی شگفت انگیز خود بر این مشکل چیره شد و از این توطئه خطرناک نجات یافت. یهود چندین بار برای کشتن رسول اکرم (ص) نقشه کشیدند و حتی در بسیاری از اخبار آمده است که پیامبر (ص) با غذایی که زنی یهودی برای ایشان آورده بود، مسموم شدند و در اثر آن از دنیا رفتند. پس از زمان پیامبر نیز تلاش کردند که بسیاری از خرافات و عقاید خود را در آموزه های اسلامی وارد کنند.

ما در علوم همچون فقه و تاریخ و تفسیر و به ویژه در بحث قصص انبیا، با هزاران روایتی روبه رو هستیم که فقها یا علمای اسلام آنها را اسراییلیات می نامند. این دسته از روایات، مجتهدان و فقیهان و پژوهشگران را با مشکل روبه رو کرده است. روشن است که همه این اقدامات و رفتارهای یهود نتیجه تفکری است که در آغاز خروج آنان از مصر و طی سرگردانی در صحرای سینا و ورود به فلسطین شکل گرفت و از آنان گروهی منحرف پدید آورد. همه رفتارهای یهود ریشه در آن دوره زمانی دارد. به این ترتیب، می توان دریافت که چرا موضع پیامبران و صالحان و همه گذشتگان درباره آنان منفی بوده است. حضرت مسیح (ع) بارها بر ناراحتی خود از آنان تأکید کرده و از جمله فرموده است: «ای اورشلیم، ای کشنده پیامبران» و در جای دیگر فرموده است: «قدس را به دست سگان و خوکان ندهید.» این موضع حضرت مسیح ناشی از احساس و گرایش این نژاد منحرف است. به یاد دارم که حضرت مسیح در جایی دیگر وقتی صرافان و تاجران را از هیکل بیرون کرد، فرمود: «اینجا خانه پدر من و محل عبادت است و شما آن را به غاری برای دزدان تبدیل کرده اید.»

متأسفانه، این برخورد عمیق و دامنه دار در طول تاریخ که زاینده این نژاد است، در وضع کنونی شبیه سرطانی است، یعنی همچون سلولی است که رشد آن به زیان دیگر سلول های بدن است.

در تاریخ همواره از آنان دوری می شد تا اینکه، متأسفانه، ما گرفتار آنان شدیم. اولاً، گرفتار نقشه های صهیونیستی شدیم که کتاب پروتکل های دانشمندان صهیون از آن پرده برداشته است. از همه شما خواهش می کنم این کتاب را بخوانید. این کتاب نشان می دهد که یهودیان در فسادانگیزی در دنیا و دور شدن دنیا از دین و سیطره جویی بر دنیا و بسیاری دیگر از اقدامات ویرانگر در دنیا هستند. امروزه، درباره این نقشه ها چند کتاب نوشته شده است. آمارها نیز نشان می دهد که بیشترین سهم در تجارت شراب و بیشترین نقش در فاسد کردن دنیا و بیشترین شرکت هایی که فیلم های مبتذل و فاسد تولید می کنند و دیگر ابزارهایی

که برای نابودی بشریت و هرزه کردن جوانان از دختر و پسر به کار گرفته می شود، از آن یهود است. آنان افکار ویرانگر بسیاری دارند که آنها را در قالب اندیشه های فلسفی و اجتماعی در دنیا منتشر می کنند.

اسرائیل زاییده تمدن سرکش مادی است

همچنین امام موسی صدر در پیامی به دوره ششم مجلس ملی فلسطین در سال ۱۹۶۹ میلادی می گوید:

اسرائیل زاییده تمدن سرکش مادی و نتیجه حتمی مبانی تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است که در پایان قرون وسطا بر پایه انکار خدا و ارزش ها بنا گذاشته شد و این، طغیان در ستمگری بود تا بدان جا که آسایش وجدان دروغین او با دست یازیدن بر دیگر ملت ها حاصل می شد. رژیم اسرائیل نماد کامل این تمدن از نظر انحصارطلبی و بهره کشی و تفرقه افکنی نژادپرستانه و تعصب های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی است.

انقلاب شما انقلابی است در برابر گمراهی فراگیری که عقل ها و دل ها را تسخیر کرده و سبب شده است که به شکل احمقانه ای درباره ستمگری و قتل و آوارگی بیندیشند. انقلاب شما انقلاب حق است که همچون سپیده صادق اندک اندک می دم و گسترش می یابد و بر تاریکی این شب دراز فائق می آید و دنیا را سراسر نور و امید و حرکت سازنده و هوشیارانه می کند. انقلاب شما انقلاب در برابر نژادی است که کفر ورزید و طغیان کرد و پیامبران را به ناحق کشت و احادیث و آموزه های دروغین جعل کرد و برضد صدها هزار تن از مؤمنان توطئه چید و ادیان را تحریف و حقایق را مسخ و تاریخ را تحریف کرد و به فساد و انحراف و بی بندوباری دامن زد.

شما ای سپاهیان دلیر خداوند، با جهاد خود خدا را تسبیح می گوئید و او را از صفاتی که صهیونیسم برای خداوند می پندارد، منزه می دارید؛ صفاتی همچون فرق گذاشتن میان مخلوقات، جانبداری در برخوردها، دست بسته بودن، پیمان شکنی در ملکوت، به خطا رفتن در رسالت، متهم بودن پیامبران و عملی کردن وعده خود به آتش و آهن. شما نمی پذیرید که خداوند بخشنده و مهربان را به بیزار بودن و دشمنی داشتن با اکثریت مخلوقاتش وصف کنند. شما دستور حضرت مسیح را اجرا می کنید که فرمود: «قدس را به دست سگان و خوکان ندهید.» شما انتقام او را می ستانید، زیرا مسیح را متهم به دروغ گویی کردند و درصدد کشتن او برآمدند. شما مریم پاکدامن را تقدیس می کنید که به او اتهام زدند و داغدار فرزندش کردند.

شما این پیش گویی قرآن را محقق می سازید که: ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدِّيَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَأْوُوا يُغْضَبِ مِنَّ اللّٰهِ و از دستورات پیامبر بیم دهنده اطاعت می کنید.

شما به سوی سرزمینی در حرکتید که خداوند به آن برکت بخشیده و آن را پاکیزه ساخته است؛ به سوی شهر مقدسی که خاستگاه ادیان و تمدن های بشری است و تمدن ها در آن با یکدیگر پیوند خورده اند؛ به سوی زادگاه مسیح و عروج گاه محمد (ص) و سرچشمه دانش و مدنیت در سپیده دم تاریخ انسان. خون شهیدان شما کرامت عرب را آبیاری می کند و حیات را به ادیان و ارزش های انسانی بازمی گرداند. دشمن شما نماد باطل، همه باطل، است و انقلاب شما باید حق، همه حق را عینیت بخشد.

برادران قهرمان، این ها ابعاد انقلاب مقدس شماست. این ها مفاهیم جهاد دشوار و طولانی شماست. اگر سنگینی و دشواری کار شما از همه دیگر انقلاب ها بیشتر است، به سبب تلاش شما برای تناسب داشتن هدف و وسیله است. آیا هیچ انقلابی دشوارتر از انقلاب خود و هیچ جهادی خطرناک تر و نفس گیرتر از جهاد خود سراغ دارید؟ آیا انقلاب مردم ویتنام بر ضد استعمار آمریکا این گونه بود؟ آمریکا خود بازچه دست صهیونیسم جهانی است و به اندازه اسرائیل امکانات برای گمراه گری و سیطره بر عقل مردم و جلب عواطف عمومی به سوی خود در اختیار ندارد. پیش به سوی آینده ای مجاهدان قهرمان، به امید دیدار در میدان نبرد و در مسیر حرکت و در قدس مقدس.